

# انترناسیونال

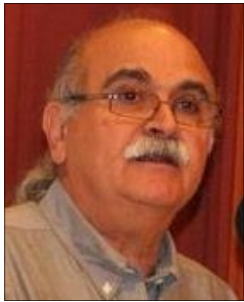


## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۳۶

جمعه ۶ آذر ۱۳۹۴، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۵

# نقد طبقاتی داعش!



صفحه ۲

## حمید تقوایی

موج پناهندگان به اروپا مبارزه طبقاتی به عقب رانده شد و جای خود را به موضوع "انسانی" دفاع از پناهندگان و مفهوم لیبرالی انعطاف و همبستگی داد. او میگوید بعد از حمله پاریس حتی این دوره نیز پایان میرسد و تحت الشعاع مخالفت ساده نیروهای دموکرات با نیروهای ترور قرار میگیرد. او فراخوان

اسلاوی ژیک فیلسوف مشهور مارکسیست بنابر حمله تروریستی پاریس در مقاله ای سال جاری را چنین ارزیابی میکند: در نیمه اول سال ۲۰۱۵ اروپا درگیر یک مبارزه رهائتی بخش بود (سیریزا و پودومس) و در نیمه دوم بخاطر

## باز هم فتنه ای دیگر، این بار "نفوذی ها

### سیامک بهاری

ختم شد. ظاهرا این یکی اصلا شوخی بردار نیست. چنان خامنه ای را از حفظ و بقای حکومت اسلامی به وحشت انداخته که ناچارا باید مداوما بر آن تاکید کند، نیروهای خودی را جمع کند و با خواندن ورد نفوذ برای جنگی جوی آماده نماید.

"نفوذ" فقط اسم رمزی برای کشمکش های داخلی و درون جناحی حکومتی نیست، خطر بزرگ

صفحه ۳

جامعه را اغوا می کنند و بخدمت می گیرند. آنقدر این حکومت سست و ناهمگون است که هر تکان امنیتی کل هرم اش را از بالا تا پایین می لرزاند و راه نفوذ به آن هر دم برای دشمنان فرضی میسر است.

از فردای پذیرش توافقات هسته ای در ۲۶ مرداد، "نفوذ" به لیست طولانی و توطئه علیه حکومت اسلامی اضافه شد. استحاله، براندازی نرم و قانونی، جریان انحرافی، فتنه و... بالاخره به نفوذ

گرفتاریهای پایان ناپذیر حکومت اسلامی، این بار در شکل فتنه ای جدید بروز کرده است. "نفوذ" اشباحی که از هر روزنی می گذرند و مهمترین کاربدستان رژیم را در خدمت سیاستهای غرب درمی آورند. پروژه "دشمن" این بار نفوذ است. بصورت جریان و ایجاد شبکه های مرموز با استفاده از پول و جاذبه های جنسی افراد موثر در

## یادداشت های هفته

حمید تقوایی

### در ایران خشونت علیه زنان امری قانونی- دولتی است!

### تشدید مبارزه علیه داعش به چه معناست؟

### در جمهوری اسلامی فساد، اسم دیگر اقتصاد است!

صفحه ۵

## جهتگیری و اولویتهای رهبری حزب

### پلاتفرمی برای رهبری

### حزب کمونیست کارگری ایران

## حمید تقوایی

صفحه ۸

### درگیری ترکیه و روسیه

### و خطر جنگ های گسترده تر

### کاظم نیکخواه

صفحه ۷

## پاسخ کارگران به ممنوعیت قضایی تجمع در

## منطقه ویژه بندر امام، گسترش اعتراضات است

### شهاب دانشفر

همانطور که می بینید مشکل اینان "تجمع های غیرقانونی" کارگران است. تجمعاتی که آنچنان ابعادی داشته است که دولت را ناگزیر به وضع چنین بخشنامه ای کرده است، تا جلودارش شود که مبادا کنترل اوضاع از دستشان

صفحه ۶

در بخشی از بخشنامه چنین آمده است: "با توجه به تجمع های غیرقانونی بعضی از کارگران و کارمندان در بعضی از شرکت های پتروشیمی لازم است جهت توجیه و جلوگیری از وقوع جرم موارد ذیل رعایت شود، در غیر این صورت وفق مقررات با مخاطبان برخورد قضایی خواهد شد."

اخیرا دادگستری کل استان خوزستان برگزاری اجتماعات کارگری در منطقه ویژه بندر امام خمینی را ممنوع اعلام داشت. واقعا در پتروشیمی بندر امام چه خبر است، که رژیم را سراسیمه و ادا به چنین عکس العمل کرده است.

## عموزاده های داعش

### مصطفی صابر

روایت ملائم تری از اسلام داشته باشند. ممکن است اصلا اسلامی یا حتی مذهبی هم نباشند. چه بسی خود را مدرن و سکولار و لاینک بدانند. ممکن است خود را چپ هم بدانند و شب و روز از لنین علیه امپریالیسم نقل قول بیاورند. ممکن

صفحه ۷

میخورد. ما در این رابطه بسیار گفته و نوشته ایم. در این یادداشت اما میگویم توجه خواننده را به این نکته جلب کنم که داعش عموزاده های سیاسی ای هم دارد که بدون مقابله با آنها نمیتوان با داعش و جنبش متبوعه اش یعنی اسلام سیاسی بدرستی مقابله کرد. عموزاده هایی که ممکن است

داعش صرفا تجمع مشتعی جنایتکار قصی القلب نیست. به یک جنبش سیاسی معین تعلق دارد که محصول سرمایه داری معاصر است: اسلام سیاسی. مبارزه با داعش به مقابله با این جنبش و شرایطی که آنرا بوجود آورده گره

صفحه ۴

## اعتراض کارگران پتروشیمی ممنوع شد!

## زنده باد اعتراضات گسترده کارگران

### پتروشیمی!

صفحه ۴

## نقد طبقاتی داعش!

از صفحه ۱

میدهد که بنیاد به مبارزه طبقاتی بازگردیم.

به نظر من ما اکنون، در آخرین ماههای ۲۰۱۵، در مرکز یک تقابل طبقاتی حاد قرار گرفته ایم. اگر از مبارزه طبقاتی درکی سطحی و مکانیکی نداشته باشیم آنگاه فهم این واقعیت چندان مشکل نخواهد بود که یکی از مهمترین مسائل مبارزه طبقاتی در دوره ما مساله اسلام سیاسی است. نیروهای اسلام سیاسی - از جمهوری اسلامی تا حزب الله و حماس و از بوکوحرام تا الشباب و داعش و غیره - ضرورت وجودی خود را از سیاست بورژوازی عصر ما میگیرند. ایدئولوژی اسلام سیاسی به هزار و چهارصد سال قبل متعلق است اما سیاست آن ریشه در قرن بیست و یکم دارد.

### از کمربند سبز تا محور شر

از نظر تقویمی تاریخچه اسلام سیاسی دوره ما از استراتژی کمربند سبز آمریکا شروع میشود. خمینی و طالبان دو نیروی بودند که دولت آمریکا در ایران دستخوش انقلاب ۵۷ و افغانستان متعلق به کمپ شوروی بجلو راند (طالبان تماما بوسیله پنتاگون و سی آی ساخته شد) تا از قدرتگیری چپ و بسط نفوذ شوروی در منطقه جلوگیری کند. هیلاری کلینتون به صراحت و

روشنی دقایق این سیاست را توضیح میدهد و تا آنجا که به فروپاشی شوروی مربوط میشود این سیاست را موفق ارزیابی میکند. او در عین حال در مورد تقابل امروز بین نیروهای اسلامی و دولتهای غربی میگوید ما اکنون داریم کشته خودمان را درو میکنیم. به این ترتیب اسلام سیاسی، دیگر نه تحلیلا بلکه تحقیقا و بر اساس گفته های مقامات دولتی آمریکا، مستقیما در کشاکش بین اردوگاه غرب و بلوک شوروی ساخته و پرداخته شده و بجلو رانده میشود. با فروپاشی شوروی این نقش ابزاری اسلام سیاسی بیابان میرسد اما نیروهای اسلامی صرفا به این خاطر که آمریکا در جنگ سرد پیروز شده

به خانه نمیروند. برای آنان پیروزی به معنی رسیدن به حکومت و قدرت دولتی و تشکیل یک کشور و دولت اسلامی است. نیروهای اسلامی، که مهمترین آنها در آن دوره عبارتند از طالبان و جمهوری اسلامی و حزب الله و حماس، تلاش میکنند تا خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی را با بجلو راندن پان اسلامیسیم و بر پائی دولتهای اسلامی (از جمله در جمهوریهای مسلمان نشین شوروی سابق) پر کنند. از سوی دیگر دولت آمریکا که با فروپاشی کمپ شرق صندلی رهبری "جهان آزاد" و هژمونی اش بر کمپ غرب را در خطر مبیند در وجود دولتها و نیروهای اسلامی دشمن جهانی تازه ای برای به رخ کشیدن عضله های نظامی اش و عرض اندام بعنوان تنها ابر قدرت جهان پس از جنگ سرد می یابد. جنگ خلیج در زمان بوش پدر و سپس تهاجم به افغانستان و عراق فرازهایی از این استراتژی مقابله با "محور شر" برای تثبیت هژمونی آمریکا هستند. به این ترتیب در اولین سالهای پس از فروپاشی دیوار برلین اسلام سیاسی که در آخرین سالهای جنگ سرد نقش ابزاری در مقابله با "امپراتوری شر" داشت، اکنون موقعیت جدیدی می یابد و به جای امپراتوری فروپاشیده، رو در رو با غرب قرار میگیرد.

### اسلام سیاسی: پرچم سهم

#### خواهی بورژوازی عرب

اما اسلام سیاسی تنها محصول سیاست خارجی آمریکا و متحدینش - ابتدا در مقابله با شوروی و سپس بعنوان نیروی برای توجیه میلیتاریسم هژمونی طلبانه آمریکا - نیست. اسلام سیاسی در استراتژی بورژوازی عرب نیز ضرورت و مطلوبیت ویژه خود را دارا است. بورژوازی عرب در تمام طول قرن گذشته بدنبال کسب جایگاه و سهم "درخور" خود در سیاست و اقتصاد جهانی بوده است. با فروپاشی امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول و بویژه با تاسیس دولت اسرائیل بدنبال جنگ جهانی

دوم بورژوازی عرب - و کلا باید گفت بورژوازی کشورهای اسلامزده - هر چه بیشتر به حاشیه رانده شد. بورژوازی عرب خواهان آنست که با توجه به منابع ثروت - بویژه نفت - و جمعیتی که نمایندگی میکند (حدود شصت برابر جمعیت اسرائیل) سهم بیشتری در سیاست و اقتصاد جهانی داشته باشد. در دوره ای ناسیونالیسم عرب - بعثیسم و ناصریسم و جنبش الفتج - پرچم این سهمخواهی بود و بورژوازی عرب بویژه آینده خود را در تعلق به کمپ شوروی و ملل "راه رشد غیر سرمایه داری" جستجو میکرد. این افق با فروپاشی شوروی کاملا کور شد، ناسیونالیسم عرب در هر دو شاخه چپ و راست خود، کاربرد و مطلوبیتش را از دست داد و جای خود را به اسلامیسیم سپرد. به این ترتیب در تحلیل نهائی جنبش اسلام سیاسی از همان بدو تولد خود جنبشی برای تحصیل سهم اقتصادی و سیاسی بورژوازی عرب - و در سطح وسیعتری بورژوازی کشورهای اسلامزده - در سطح منطقه و جهان بوده است. فروپاشی شوروی تنها اسلام سیاسی را بجلو نراند بلکه با درهم شکستن بالانس سیاسی و بلوکبندیهای سنتی دوره جنگ سرد بویژه در خاورمیانه شرایط مساعدی برای ادعاهای کشورداری و دولتمداری و نمایندگی کردن مسلمانان در برابر شیطان بزرگ بوجود آورد. این فضای سیاسی بویژه پس از نافرجامی استراتژی هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا و به گل نشستن ماشین نظامی اش در خاورمیانه بمراتب تشدید شد و اجازه داد نیروی مانند داعش پرچم خلافت اسلامی را بلند کند و به سرعت رشد کند.

### داعش: اسلام سیاسی در

#### فاز خلافت

معمولا دولتها و رسانه ها و صاحبان غربی داعش را نیروی ایدئولوژیک و ارتدوکس تر از سایر نیروهای اسلامی معرفی میکنند. و یا آنرا نیروی که شاخه سنی اسلام سیاسی را در برابر شاخه شیعی نمایندگی میکند، قلمداد میکنند. گویی جنگ داعش با دیگر نیروها

اسلامی جنگی بر سر تفاسیر و تعبیر مختلف اسلامین از قرآن و حکومت پیغمبر در صدر اسلام است. اما حقیقت چیز دیگری است. داعش يك نیروی سیاسی است که کفرستیزی و جنگ او با دیگر شاخه های اسلام سیاسی نیز مینا و دلیلی کاملا سیاسی دارد. داعش محصول شکست استراتژی هژمونی طلبانه آمریکا است و از اینرو هدف خود را نه آمریکا ستیزی و ضربه زدن به شیطان بزرگ - و نماینده منطقه ایش اسرائیل - بلکه دولتها و نیروهای قرار داده است که مانع واقعی بر سر کسب نفوذ و سلطه منطقه ای او هستند. داعش محصولی را درو میکند که القاعده و طالبان و نیروهای اسلامی ضد آمریکائی در دوره قبول کاشته اند اما داعش برخلاف القاعده يك نیروی پارتیزانی نیست، بلکه يك نیروی حکومتی است با سرزمین و ارتش و قوانین و "خلافت" ویژه خودش. داعش نسب خود را نه به زخم خونین فلسطین و دادخواهی "مستضعفین قدس" از اسرائیل و آمریکا بلکه به آخرین خلافت اسلامی - امپراتوری عثمانی میرساند - و خیال احیای امپراتوری عثمانی را در سر میپروراند؛ و از این نقطه نظر به نوعی رویاهای ممنوعه اردوغان را نیز نمایندگی میکند.

تکفیری بودن داعش امری ایدئولوژیک نیست بلکه امری کاملا سیاسی و ناشی از رقابتهای منطقه ای او با دیگر دولتها و نیروهای اسلامی است. دولت عراق و سوریه از تکه پاره شدن امپراتوری عثمانی بعد از جنگ اول بوجود آمدند و داعش این تقسیمبندی را برسمیت نمیشناسد. او میخواهد ژئوپلیتیک منطقه را بر اساس خلافت مدل صدر اسلام و منطبق بر امپراتوری عثمانی دوست سال قبل - تغییر بدهد. و این در خاورمیانه به آتش و خون کشیده شده، در منطقه ای که حتی آمریکا و شرکایش در فکر ترسیم مجدد مرزها هستند، از نقطه نظر بورژوازی منطقه - بویژه در عربستان و ترکیه و امیرنشینهای خلیج - امری نه تنها مجاز بلکه يك آلترناتیو ممکن و مطلوب به نظر میرسد. حتی خلافت اسلامی مورد نظر داعش ربط چندانی به ایدئولوژی

اسلامی و تعالیم قرآنی ندارد. این ایدئولوژی و تعالیم قرآنی وجود دارد اما امروز - در دهه آخر قرن بیست و آغاز قرن بیست و یکم - برای بورژوازی موضوعیت و مطلوبیت سیاسی پیدا کرده است. دولت و خلافت اسلامی موضوعیت و ربط سیاسی خود به شرایط امروز را از بحران حکومتی بورژوازی در منطقه و در دنیا کسب میکند. همانطور که فحشا، قدیمی ترین شغل تاریخ، امروز بقای خود را مدیون سودآوری کالای سکس در بازار سرمایه داری است، خلافت نوع داعش نیز ضرورتش را از بحران حکومتی سرمایه داری امروز اتخاذ میکند.

### جایگاه داعش در سیاست

#### خاورمیانه ای غرب

امروز بعد از حمله وحشیانه پاریس تبلیغات ضد داعشی و تاکید بر مقابله نظامی شدید تر علیه داعش از جانب دولتها غربی بالا گرفته است. اما واقعیت اینست که داعش نقش ویژه ای در پیشبرد سیاستهای آمریکا و متحدینش در منطقه ایفا میکند. از همان ابتدا به داعش برای تسویه حساب سیاسی با دولت مالکی اجازه رشد دادند و تا امروز آمریکا و متحدینش رابطه کجدار و مریزی را با داعش به پیش میبرند. دولت آمریکا ائتلافی مرکب از ۶۵ کشور را علیه داعش سر هم کرده است اما در عمل دو نیروی اصلی این ائتلاف در منطقه یعنی ترکیه و عربستان سعودی بیشتر حامی داعش هستند تا علیه او. واقعیت آنست که در بلوکبندیهای منطقه ای داعش به کمپ اسلام سیاسی مورد قبول سیاستهای منطقه ای غرب - بلوک ترکیه - عربستان سعودی در مقابل بلوک سوریه - روسیه - جمهوری اسلامی متعلق است و این واقعیت در ظهور و رشد داعش نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است. ازین نقطه نظر داعش را نظیر طالبان در افغانستان باید محصول صفحه ۴

## باز هم فتنه ای دیگر، این بار "نفوذی ها"

از صفحه ۱



اسلامی بواسطه این دشمنی صورت عمل بخود گرفته است. علیرغم همه دشمنی و خصومت ها، با این شیطان باید به نوعی کنار هم آمد. بر سر میز مذاکره نشست و به تعامل رسید.

بخشی از همه دعوای درون خانوادگی و جناحی دسته های رنگارنگ حکومتی و بساط رانت خواری و اختلاس های نجومی یکسرش به این "دعوی شیرین" گره خورده است. حل و فصل هرگونه مخاصمه ای با این "دشمن" به بزرگترین امتیاز سیاسی رقبای اصلی در حکومت بدل شده است. انواع و اقسام فتنه ها و نفوذها سرچشمه اش همین عشق و نفرت است.

"نفوذ" نام دیگر بازگشایی این رابطه است. عادی سازی مناسبات و ختم ماجرای شیطان بزرگ، آغاز طوفانی بی پایان برای پاسخ دادن به میلیونها مردمی است که بیش از سه دهه است با همین اسم رمز تحت سنگین ترین و مخوفترین سرکوبهای سیاسی و اجتماعی قرار گرفته اند.

محمدعلی جعفری عاقبت رابطه را چنین بیان می کند: "دشمن کار خود را شروع کرده اما اگر خطر نفوذ را درک کرده ایم، باید الان جلوی برخی از کارهایی را که انجام می شود بگیریم. به نظر می رسد فتنه ای که از پس از برجام شروع خواهد شد، طولانی باشد و ممکن است چند سال طول بکشد."

کدام فتنه می تواند پس از اجرای مفاد توافقات هسته ای شروع شود؟ برچیدن ساترفیوژها و جمع کردن تجهیزات آب سنگین و غیره که بخودی خود نفوذ دشمن نمی تواند باشد. مذاکره هم به خیر و خوشی به نتیجه رسیده است. علیرغم همه سناریوهای ابلهانه، از ابتدا تا انتها زیر نظر خامنه ای طی طریق کرده است.

است که در اساس کل جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. تحمیل پرمشقت ترین ریاضت اقتصادی و به زیر خط فقر راندن بخش عظیمی از مردم و سرکوب بی وقفه کوچکترین آزادیهای فردی و اجتماعی بخشی از روند سیاست هسته ای و ماجراجویی مداوم نظامی و امنیتی در منطقه بوده است.

برای به عقب راندن مردم باید همه این مطالبات انسانی را ارزشهای غربی خواند، هر درجه از بهبود در زندگی را نفوذ ایده های غربی خواند و پاسخش را با تهدید و سرکوب داد.

گسیل گله "منکرات" و تشدید کنترل مردم، مانند پوشش زنان در خیابانها، دستگیریهایی وسیع بویژه رهبران مبارزات جنبش های اعتراضی و کارگری، تشدید فشار امنیتی حتی در زندانها بخشی از اجرای سیاست سرکوب و اعمال قهر برای کاهش و تخفیف عوارض اجتماعی و سیاسی "تسلیم قهرمانانه" است.

### دشمن کیست؟

در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی لیست بلند بالایی از دشمنان ردیف شده اند. هر دوره پرونده یکی از آنها رو آمده است. دشمن تراشی بخش تعطیل ناپذیر سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی است. انواع شیاطین، قد و نیم قد ردیف شده اند. ظاهرا بزرگترین آنها غرب و در رأس همه آمریکاست. این یکی بخشی از کارنامه هویتی جمهوری اسلامی است. بدون دشمنی با این شیطان، دلیل و توجیه سیاستهای ماجراجویانه و تروریستی در سطح بین المللی و سرکوب بیرحمانه مردم در داخل کشور را از دست میدهد.

لگدمال کردن حقوق اجتماعی و سیاسی مردم و اعمال خشن ترین سرکوبها، تا به حال به بهانه این دشمنی ممکن شده است. این شیطان باید باشد تا همه توجیهات تا کنونی هم باشند. همه زد و بندهای منطقه ای از صدور انقلاب تا پرورش انواع جریانهای تروریستی -

جدالی بی پایان درگیرند، هر روز در ابعاد علنی تری با پس زدن سبک زندگی اسلامی توده های محکمتری به حکومت میزنند. انتخاب سبک مدرن و امروزی زندگی به شیوه غربی، دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی، عمیقاً رنگ سیاسی بخود گرفته است و در تقابل با قوانین اسلامی بیش از هر وقت دیگری بخشی از جدال روزمره مردم، زنان و بویژه جوانان با حکومت است.

هر اعتراض کارگری و خواست یک زندگی بهتر، تأکیدی بر این امر است که جمهوری اسلامی علیرغم همه تلاشهای چندین ساله اش هنوز کلاهش پس معرکه است. از رشد روز افزون اعتراضات اجتماعی در همه ابعاد اجتماعی، تا ماهواره و پس زدن حجاب، تا روابط آزاد اجتماعی زن و مرد، تا جشن و پایکوبی جوانان و ریشخند مراسم مناسک مذهبی تا شبکه های اجتماعی که جمهوری اسلامی آن را ابزار جاسوسی دشمن قلمداد می کند و با پلیس فتا و فیلتر و بگیترو بند، مانعش میشود و عطش پایان ناپذیر مردم برای ارتباط آزاد و تبادل اطلاعات، موانع حکومت را نقش بر آب می کند. چالشهایی که جمهوری اسلامی عملاً در مقابل آن شکست خورده است. کار به جایی رسیده است که اعتراض و تجمع کارگران را در پتروشیمی ها غیر قانونی اعلام می کنند تا قدری فضای ملتهب اعتراضی را بتوانند مهار کنند.

برای میلیونها مردمی که قربانی ماجراجویی های نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی شده اند، پذیرش توافقات هسته ای چیزی بجز شکست جمهوری اسلامی در اجرای اهدافش تلقی نمی شود. برای مردم، در هم شکستن خطوط قرمز حکومتی، مطالبه خواستهایی است که با سرکوب بی امان جمهوری اسلامی و خون پاشیدن به جامعه مانع اجرای آن شده است.

خامنه ای و سرداران سپاهی اش و دیگر رقبای حکومتی بخوبی بر حقیقت این شکست واقفند. تمام این دست و پا زدنها برای عقب راندن اعتراضات رو به گسترش اجتماعی

قطعا از رقابتهای درونی فراتر است. از دامنه اشاره به امریکا و غرب هم فراتر می رود. حضرات مداوما خاطر نشان می کنند که پس از توافقات هسته ای و هزیمت جمهوری اسلامی از طرح های هسته ای اش، دری به روی غرب گشوده نخواهد شد و ضد آمریکایی گری غلیظ تری هم در پی خواهد بود. تأکید بر این است که؛ جریانی که خواب رابطه حسنه با غرب و بویژه امریکا را ببیند، مورد "نفوذ" واقع شده است. هرگونه تفسیر و توجیه عبارت "نفوذ" هم مورد غضب خامنه ای است. باید آنرا یک کاسه و بسیجی مابانه پذیرفت! رفسنجانی و روحانی هم باید حساب کار دستشان باشد. مکافات شکست پروژه هسته ای در یک نقطه ثابت نخواهد ماند.

بلافاصله بعد از حمله خامنه ای، سران سپاه پاسداران به خط شدند تا شأن و نزول فرمایشات "آقا" را به جناح های رقیب چنان یادآور شوند که کل جامعه را خطاب قرار داده باشند. خط و نشان ها را کشیده باشند و چند بار شمشیر از رو بسته شده را در هوا چرخانده باشند.

محمد علی جعفری، سرکرده سپاه پاسداران حرف "آقا" را آنطور که باید شنیده و فهمیده شود بدون حاشیه و زورق می گوید: "اگر این باور در فکر مردم ایجاد شود که در مساله هسته ای توافق شد، پس در مسایل دیگر هم می شود توافق کرد، این یک خطر فتنه است". این اساس و درونمایه اصلی همه آن چیزی است که خامنه ای و شرکا را به وحشت انداخته است. دامنه این وحشت بارها از خطر رقابتهای درونی و چهار پایه از زیر پای هم کشیدنیهای برادران حکومتی و حتی انتظارات غرب از حکومت فراتر است. "مسایل دیگر" کلید فهم ماجرای "نفوذ" است. کدام مسایل؟!

**الگوهای زندگی مردم و دردهای پایان ناپذیر حکومت**  
تا آنجا که به مردم برمیگردد، پیش از سه دهه است با هیولای حکومت اسلامی سپر به سپر در

پس فتنه ای "نفوذ" علیرغم اینها باید پدید می آید. دشمن دیگری در کار باشد تا جلوی کارهایی را که به قول آقای سردار دارد انجام میشود بگیرند!

جمهوری اسلامی با پذیرش شکست پروژه هسته ای اش، دست در گریبان طوفانی از اختلافات و گرو کشی های درونی نیز هست. این هم بخشی از تند پیچی است که جمهوری اسلامی پیش پای خود دارد. هر درجه از گسترش اختلاف و عدم هماهنگی منجر به درگیری و رویارویی جدی تر جناح ها خواهد شد و در نهایت موقعیت "رهبری" را تا متعادلتر خواهد کرد.

برای جمهوری اسلامی "نفوذ" و "دشمن" یعنی اعمال اراده مردم و کنار زدن کل بساط حکومتی. دستگاه رهبری بخوبی میدانند که میشود بارها بر سر میز مذاکره با شیطان بزرگ نشست و بالاخره به توافقی رسید، اما حتی یک لحظه هم نمیتوان بر سر میز مذاکره با مردم نشست. جمهوری اسلامی با همه "شیاطین" امکان کنار آمدن دارد اما با مردم و مطالباتشان، هرگز. ماجرای نفوذ، بخشی از درماندگی و شکنندگی حکومت اسلامی در مقابل مطالبات، توقعات و جنبشی است که بی بازگشت، روشنایی انتهای تونل را دیده است. جمهوری اسلامی صلابت طوفان خشم مردم را تجربه کرده است.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

## نقد طبقاتی داعش!

از صفحه ۲

سیاستهای منطقه ای دولت آمریکا بحساب آورد و نه نقطه مقابل این سیاستها. سیر تحولات آتی و درگیری داعش با دول غربی به هر جا برسد در این واقعیت تغییری داده نخواهد شد. شاید بیست سال بعد هیلاری کلینتون دیگری در کتاب خاطراتش توضیح بدهد که چطور استراتژیستهای آمریکائی به نیرویی نظیر داعش پر و بال دادند و آنرا در خدمت اهداف ژئوپلیتیکی خود در خاورمیانه بکار گرفتند.

### تقابل تمدنها یا تقابل

### ارتجاع بورژوائی با مدنیت

### پرونتری؟

دولتها و اتاقهای فکر و رسانه های غربی معمولا تقابل غرب با نیروهای جنبش اسلام سیاسی - و بویژه امروز با داعش - را بروز و نمودی از تقابل تمدنها و برخورد فرهنگها قلمداد میکنند و راه حل را در بهترین حالت در دیالوگ و گفتگوی تمدنها، انعطاف پذیری و تحمل فرهنگ دیگران و غیره میدانند. این بینش خود جزئی از صورت مساله اسلام سیاسی در دوران ما است. این نظریه بخشی از دکرترین عمومی تر پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی و مالتی کالچرایسم است که شهروندان را به گروههای مختلف مذهبی و قومی و نژادی تقسیم میکند و جوامع را ملقمه ای از این بخشهای فرهنگی مذهبی - قومی - نژادی مختلف میداند. نیروهای اسلامی خود چنین اعتقاداتی ندارند - آنها فرهنگ قرون وسطائی "محقق دانستن خود و شیطانی بودن دیگران" را نمایندگی میکنند - اما این دکرترین پست مدرنیستی اجازه میدهد اسلاميون توجیه فلسفی اجتماعی استراتژیک امروزی و "غرب پسند" ای برای اهداف و سیاستهای فوق ارتجاعی و عهد دقینوسی خود پیدا کنند. اگر ارزشهای جهانشمولی وجود ندارد، اگر انسانیت و خوشبختی و تمدن

ترسیم کرد. امروز این فرهنگ انسانی را هیچ دولت و نیروی بورژوائی از احزاب راست گرفته تا لیبرال و دموکرات و چپ بورژوائی نمایندگی نمیکند. پرچم انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی تماما در دست پرولتاریا است. بورژوازی از ایده های انقلابی عصر انقلاب صنعتی تماما عقب نشسته و به مذهب و به دکرترین و فلسفه سیاسی - اجتماعی جوامع قرون وسطائی روی آورده است. این اساس و رکن نظری - فلسفی - اجتماعی بحران حکومتی بورژوائی جهانی در عصر ما است.

مرزها را باید طبقاتی کشید. خطها واقعا بین یک درصدیهای سرمایه دار و نود و نه درصدی های کمپ کار کشیده شده است. امروز مدنیت بوسیله جنبش ضد مذهب و ضد دولتهای قومی مذهبی که اکنون بیش از سه ماه است در عراق جریان دارد، نمایندگی میشود. مدنیت بوسیله هزاران زن و جوانی نمایندگی میشود که یک روز قبل از حمله تروریستهای اسلامی به مردم پاریس، در کابل به خیابانها ریختند و در دفاع از "جنبش نو و نظم نو" شعار دادند. انسانیت بوسیله مردم کویانی نمایندگی میشود که نیروهای داعش را شکست دادند و به عقب رانند و بوسیله مردم ایران نمایندگی میشود که سالهاست علیه جمهوری اسلامی پیگیرانه مبارزه میکنند. جنبش چارلی ابدو در اوایل امسال بروز همین جنبش انسانی در غرب بود.

به گفته نقل شده از ژیک در ابتدای این نوشته برگردیم. او بدنبال کشتار تروریستی مردم پاریس خواهان بازگشت به مبارزه طبقاتی است. این مبارزه هم اکنون در منطقه در جریان است. امثال ژیک باید به این مبارزه بازگردند. وظیفه کمونیستهای نظیر ژیک معرفی کردن و نمایندگی کردن این مبارزه در ابعاد جهانی و تلاش برای جلب حمایت و همبستگی مردم غرب و جهان از این مبارزات است. امروز مقابله کمونیستی با اسلام سیاسی در محور مبارزه میان کمپ کار و سرمایه در سراسر جهان قرار دارد.

## اعتراض کارگران پتروشیمی ممنوع شد!

## زنده باد اعتراضات گسترده کارگران

### پتروشیمی!

و تجمعات کارگری، علیرغم تاریخ جنایتکارانه رژیم اسلامی در مقابله با کارگران، نتوانسته اند کارگران را خانه نشین و مستاصل کنند. اعتراضات کارگری، يك واقعیت همیشگی و انکارناپذیر در جامعه است و در سال های اخیر با گسترش اعتصابات طولانی مدت در مراکز بزرگ کارگری بوده ایم.

این اقدام حکومت را میتوان و باید در هم شکست. رژیم را باید وادار به پس گرفتن این بخشنامه اش کرد. کارگران پتروشیمی سابقه مبارزات متحدانه در پتروشیمی های ماهشهر دارند و اکنون نیز میتوانند متحد و یکپارچه در مقابل این اقدام سرکویگرانه بایستند و خانواده های خود و کل مردم شهر را نیز به میدان بیاورند. حضور خانواده های کارگران پتروشیمی در تجمعات اعتراضی تعیین کننده و حیاتی است.

از طرف دیگر کارگران پتروشیمی را نباید تنها گذاشت. اگر چه هدف این بخشنامه ضد کارگری در درجه اول کارگران معترض پتروشیمی است، اما در صورت عدم مقابله جدی و در صورت موفقیت آن، این شرایط را به کل طبقه کارگر تحمیل خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری، کارگران پتروشیمی و خانواده هایشان و کل طبقه کارگر و مردم آزاده را به اعتراض قاطعانه علیه این بخشنامه ضد کارگری فرامیخواند. تجمع کنید، مجامع عمومی خود را برگزار کنید. متحدانه این اقدام وقیحانه رژیم اسلامی را در هم شکنید.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت  
کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری  
۲۴ نوامبر ۲۰۱۵، ۳ آذر ۱۳۹۴

اخیرا دادگستری کل استان خوزستان "اعتراضات صنفی کارگران شاغل در منطقه ویژه پتروشیمی بندر امام خمینی را ممنوع" اعلام کرده است. این بخشنامه تهدید کرده است: "تجمع و اخلاص در نظم شرکتهای پتروشیمی خلاف قانون و مقررات است و طبق قانون برخورد قضایی به عمل می آید." در بخش پایانی این بخشنامه ذکر شده است که: "کارگرانی که به حقوق و مزایای خود اعتراض دارند با ارائه فیش مطالبات آنها پی گیری خواهد شد، از این تاریخ با هرگونه تجمع غیرقانونی و اخلاص در نظم شرکتهای، برخورد خواهد شد." این يك تعرض جدید به کارگران است. حکومت میخواهد فشار اقتصادی بیشتری به کارگران و مردم تحمیل کند و با این اقدامات مانع اعتراض کارگران شود. اما کارگران نشان داده اند که میتوانند آزا به شکست بکشانند و باید متحدانه علیه آن دست به اعتراض بزنند.

این بخشنامه واکنش رژیم در مقابله با اعتراضات گسترده کارگران در خوزستان و مشخصا کارگران بخشهای مختلف صنایع پتروشیمی است. اقدامی پیشگیرانه، در هراس از نقش کلیدی مبارزات این بخش از طبقه کارگر است. کارگران پتروشیمی ها در سالهای گذشته با اعتصابات متحد و سازمانیافته نشان داده اند که یکی از پیشروترین بخش های طبقه کارگرد و نقشی کلیدی در مبارزات کارگری ایفا میکنند. کارگران پتروشیمی ها علیرغم تهدیدات و دستگیری و محرومیت های مختلف، بارها حکومت را عقب رانده اند و حتی در سال های گذشته رژیم را وادار کردند اعلام کند که کلیه شرکت های پیمانکار را خواهد چید.

واقعیت این است که علیرغم ممنوعیت هرگونه اعتصاب و تجمع و تشکل کارگری، علیرغم سرکوب همه جانبه و سیستماتیک اعتراضات

## یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

### در ایران خشونت علیه زنان امری قانونی- دولتی است!

" سال گذشته ۱۲۰۰ زن در معرض آسیب و خشونت خانگی قرار داشته اند و از ابتدای سال تاکنون ۸۰۰ نفر به این مراکز مراجعه کرده‌اند. " این آمار است که از جانب مقامات جمهوری اسلامی اعلام شده است. اما چنین آمار، که بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است، حتی یک هزارم خشونت علیه زنان را، حتی در همان سطح محدود خانواده ها، بیان نمی‌کند.

خشونت علیه زنان در جمهوری اسلامی مساله ای خانوادگی نیست، بلکه یک امر اجتماعی قانونی و نهادینه شده است. تجاوز شرعی به دختران خردسال تحت نام ازدواج بخشی از این خشونت قانونی است. محروم کردن دختر بچه ها از بازی و ورزش و رقص و فعالیت‌های هنری و فرهنگی، بخش مهم دیگری از خشونت سیستماتیک علیه زنان است. محروم کردن زنان از حق طلاق و حق سفر، حجاب اجباری، شلاق و

سنگسار و قتل‌های ناموسی به جرم "بی عفتی"، اسید پاشی بصورت زنان بدحجاب، تحقیر و توهین سیستماتیک علیه زنان از منبر و محراب و رسانه های حکومتی، ... تمام اینها از مصادیق خشونت دولتی- قانونی علیه زنان در ایران هستند. خشونت علیه زنان در ایران امری شخصی و خانوادگی نیست، امری دولتی و ایدئولوژیک است. حتی خشونت خانگی علیه زنان خود اساسا معلول فرهنگ و قوانین پوسیده ای است که جمهوری اسلامی بجامعه تحمیل کرده است. مبارزه پیگیر علیه خشونت جنسیتی در ایران نمی‌تواند و نباید تنها به یک روز در سال و یا هر زمان فاجعه ای نظیر اسیدپاشی رخ داد، محدود بماند. این یک عرصه همیشگی اعتراض و مبارزه نه تنها در حمایت از حقوق زنان بلکه در دفاع از همه مردم ایران است.

۲۵ نوامبر ۱۵

### در جمهوری اسلامی فساد، اسم دیگر اقتصاد است!

فساد ۱۰۰ میلیارد تومانی در وزارت نفت... فرار عامل اختلاس ۱۶۰ میلیارد تومانی به کانادا...

تخلف ۶ هزار میلیارد تومانی سازمان هدفمندی ...

ماجرای خرید طلای تقلبی برای بانک مرکزی ... بابک زنجانی: بانک مرکزی با گونی ۸۴ میلیارد یورو به من تحویل داد ...

آقازاده دولت اصلاحات؛ سرخ اصلی دکل گمشده ...

پول اشتغال صرف ویلاسازی شد ...

این لیست بعضی از سر تیتراهای خبری روزنامه های ایران در هفته گذشته است. انتشار هر یک از این خبرها در هر کشوری که حداقلی از حساب و کتاب وجود داشته باشد کافی است تا دولت مربوطه را کله معلق کند. اما در جمهوری اسلامی غیب شدن و دزدی مبالغ هزاران میلیاردی به امری عادی و روزمره بدل شده است. مسئولین فعلی و قبلی و دولتهای سابق و اسبق و باندهای مافیائی

## تشدید مبارزه علیه داعش به چه معناست؟

دولت اسلامی و بازگشت به خلافت اسلامی نوع امپراتوری عثمانی را فراهم آورده است. در یک فرهنگ و پارادایم و فضای سیاسی سکولار و مدنی حول تمدن مدنیت و ارزشهای جهانشمول انسانی نیروی نظیر داعش نمیتوانست کمترین زمینه و دامنه نفوذی پیدا کند.

تشدید حمله نظامی دولتهای غربی پاسخ این وضعیت نیست. داعش را توده مردمی نمیتوانند شکست بدهند که بیش از سه ماه است در عراق با شعار نه شیعه نه سنی و در دفاع از سکولاریسم و جامعه مدنی بمیدان آمده اند.

جواب، جنبش زنان و جوانان افغانستان است که یک روز قبل از کشتار پاریس با شعار "نظم نو، جنبش نو" در کابل تظاهرات صد هزار نفره برپا کردند. در سیاستها و موضعگیریهایی آقای اوپاما و اولاند و دولتهای متبوعه شان، و در تحلیلها و "چاره جوئی های" همه رسانه های رسمی و صاحب نظران و کارشناسان غربی، این جنبشهای زنده و رادیکال و بر حق جایگاهی ندارند چرا که نه تنها با اهداف و موجودیت تروریسمهای اسلامی بلکه با مدل لویا جرگه ای و استراتژی سیاسی اتکا به نیروهای ناسیونالیست و اسلاميون خوش خیم مورد حمایت غرب نیز خوانائی ندارند. دیدن و حمایت و تقویت جنبش توده ای مردم عراق و افغانستان و ایران و ترکیه و کردستان سوریه در مقابله با نیروها و دولتهای قومی و مذهبی و در دفاع از سکولاریسم و مدنیت و کرامت انسانی تنها راه واقعی، ممکن و کارساز "تشدید مبارزه علیه داعش" است.

"مبارزه علیه داعش را تشدید می‌کنیم." اوپاما

دولت آمریکا و متحدینش همیشه جزئی از صورت مساله تروریسم اسلامی بوده اند و نه راه حل آن. استراتژی هژمونی طلبانه آمریکا در دنیای بعد از جنگ سرد، از زمان بوش پدر تا امروز، یک علت اصلی مطرح شدن و سر بلند کردن نیروهای اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا و عملیات تروریستی اسلاميون در چارگوشه دنیا بوده است. و این بیش از همه در مورد داعش صادق است. انقلاب سوریه ادامه انقلابات بهار عرب بود ولی مسخ و تحریف و بخون کشیده شدن آن از جانب دار و دسته های مختلف اسلامی محصول خاورمیانه و عراق و افغانستان درهم ریخته ای بود که سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش ایجاد کرده بود. امروز حتی تعداد قابل توجهی از مقامات و صاحب نظران سیاسی در هیات حاکمه آمریکا حمله به افغانستان و بویژه عراق را عامل اصلی وضعیت بهم ریخته امروز خاورمیانه و قدرتگیری دار و دسته های مختلف اسلامی و بویژه فاجعه ای نظیر داعش میدانند.

از نظر فلسفه و فرهنگ سیاسی نیز نظراتی نظیر نسیت فرهنگی و انکار ارزشهای جهانشمول انسانی، عقب نشینی از جوامع مدنی، هویت سازیهای قومی و مذهبی و دست بالا پیدا کردن دکرترین جوامع موزائیکی مرکب از مذاهب و ملیتها و اقوام مختلف و امتیاز دادن به اسلام "معتدل" و "خوش خیم"، زمینه فکری تافته جدابافته بودن "جوامع اسلامی" و ادعای



## پاسخ کارگران به ممنوعیت قضایی تجمع در منطقه ویژه بندر امام، گسترش اعتراضات است

بخشنامه ممنوعیت تجمع در منطقه ویژه بندر امام پیشدستی کرده است که مبادا دوباره اعتراضات این کارگران سر بلند کند و اوضاع از کنترلشان خارج شود. خصوصا امسال که جنبش برای خواست افزایش دستمزدها ابعاد اجتماعی تری پیدا کرده است، دادگستری خوزستان، چنین سراسیمه وارد عمل شده و بخشنامه صادر میکند. این بخشنامه سرها را بیش از پیش بطرف منطقه ویژه اقتصادی بندرامام این مرکز کلیدی کارگری و وابسته نفت جلب میکند. صدور این بخشنامه بطور واقعی يك اعلام جنگ به کارگران این منطقه و کل کارگران است. صدور چنین بخشنامه ای بیش از هر چیز بر زمینه اعتراضات کارگران شدت خواهد داد و همه شواهد حکایت از این دارد که کارگران به آن تن نخواهند داد.

چرا که این موضوع دامنه اش ۴ میلیون کارگر پیمانی را در بر میگیرد. در صف جلوی مبارزات این ۴ میلیون کارگر، کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر، این مرکز کلیدی کارگری قرار دارد و حکومت اسلامی هدف عقب زدن آنها و در نتیجه کل کارگران را دارد. نمونه دیگر از مبارزات درخشان کارگران پتروشیمی ماهشهر، مبارزات آنها بر سر خواست افزایش دستمزدهاست. سه سال قبل کارگران منطقه ویژه بندر امام مشخصا با برافراشتن پرچم خواست افزایش دستمزد دو میلیون و پانصد هزار تومان، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها را گامی مهم به جلو بردند و اکنون که بحث بر سر تعیین میزان حداقل دستمزدهاست، يك موضوع اعتراض این کارگران سطح نازل دستمزدهایشان است، دادگستری خوزستان با صدور



پیمانی را اعلام داشت. اگر چه دولت روحانی دوباره با تعرضی جدید آن بخشنامه را ملغی کرد و استخدام مستقیم کارگران پیمانی را ممنوع اعلام داشت، ولی بازم کارگران توانستند دولت را وادار کنند که بخشنامه دهد که حقوق و مزایای کارگر پیمانی و رسمی باید برابر باشد. بخشنامه ای که کارفرمایان تلاش کردند زیر سر بزنند و خود در این مدت به موضوع داغ اعتراض کارگران پیمانی نه تنها در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام بلکه در بسیاری از مراکز کارگری تبدیل شد.

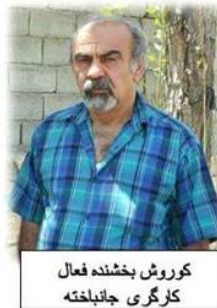
محسوب میشود. اما چرا منطقه ویژه بندر امام در اولویت سرکوب و صدور چنین بخشنامه هایی قرار گرفته است؟

پتروشیمی ماهشهر يك مرکز کلیدی کارگری و وابسته به صنعت نفت و يك كانون داغ اعتراضات کارگری است. مبارزات کارگران در پتروشیمی ماهشهر جایگاه مهمی در پیشروی های جنبش کارگری در چند ساله اخیر داشته است. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی با تکه تکه کردن بخش های مختلف صنایع نفت و پتروشیمی ها و مجتمع های بزرگ کارگری چون ایران خودرو و ذوب آهن اصفهان و غیره و سپردن هر بخش آن به پیمانکاری کوشید که با حواله کردن هر بخش از کارگران به پیمانکاری شرایط برده واری از کار در این مجتمع های بزرگ کارگری ایجاد کند و با بستن چنین زنجیری بر پای کارگران اوضاع را تحت کنترل داشته باشد و جلوی مبارزات متحد کارگری در این مراکز را سد کند.

کارگران پتروشیمی بندرامام با مبارزات چند ساله اخیر توانسته اند این زنجیر را به درجه ای پاره کنند و با وجود پخش بودن آنها در شرکتهای پیمانی مختلف با مبارزات متحدانه خود توانسته اند به يك نیروی مبارزاتی مهمی تبدیل شوند. نمونه اش مبارزات این کارگران با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار در ۴ سال قبل بود که دولت ناگزیر بخشنامه ای داد که کارگران پیمانی باید بصورت قرار مستقیم استخدام شوند و عملا لغو شرکت های

از صفحه ۱ خارج شود. این بخشنامه بیش از هر چیز هراس حکومت را از گسترش اعتراضات کارگری، آنهم در مرکز حساسی چون منطقه ویژه بندر امام نشان میدهد.

واقعیت اینست که بعد از توافق اتمی، اولویت دولت روحانی جلب سرمایه های داخلی و خارجی است. و يك شرط لازم آن تشدید ریاضت اقتصادی همراه با سرکوب و در هم شکستن هر اعتراض و مبارزه ای است. از جمله دولت روحانی با اعلام بسته اقتصادی ۶ ماهه خروج از تولید که هدف خود را حمایت از تولید تعریف کرده است، به اجرای این سیاست سرعت بخشیده است. بخشنامه دادگستری خوزستان در واقع در راستای اجرایی کردن این سیاست هاست. بنا بر این بخشنامه اعتراض کارگران به سطح نازل دستمزدها و قراردادهای موقت برده وار و ایستادن در مقابل تعرضات کارفرمایان مفتخور، از جمله به گرو گرفتن دستمزد کارگران همه و همه "غیر قانونی" است، چون این مبارزات ظاهرا "آشتهای" سرمایه گذاری سرمایه داران را کور میکنند. خنده دار تر اینکه بخشنامه ممنوعیت تجمعات کارگری را راهی برای جلوگیری از "وقوع جرم" اعلام میکند. دلیلش نیز به روشنی اینست که از نظر حکومت آیت الله های میلیاردر، آنهم در اوضاعی که اقتصادشان به گل نشسته است و موضوع بر سر هست و نیستشان است، کشیده شدن دامنه اعتراضات کارگری به اعتصابات سراسری موضوعی "آمنیتی" است و جرم



### فراخوان به شرکت در جلسه بحث و گفتگو در باره

### کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

### همراه با پذیرایی مختصر و موزیک زنده

حکام اسلامی در ایران شاهرخ زمانی را در زندان کشتند. جعفر عظیمزاده و شمار زیادی از رهبران و فعالین کارگری و معلمین را در سیاه چالهای خود به اسارت گرفته اند. کارگران و معلمانی که جرمشان چیزی جز تلاش برای تشکیل یابی و دفاع از حقوق خود و هم طبقه ایهایشان نیست

برای همبستگی با جنبش کارگری و دفاع از کارگران زندانی چه باید کرد؟

همه مخالفین رژیم اسلامی و علاقمندان به مسائل جنبش کارگری ایران را به شرکت در این جلسه دعوت میکنیم

زمان: یکشنبه ۲۹ نوامبر ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر

مکان: آنتی راسیست سنتر

Storgate 25, Oslo

برگزار کننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - نورژ

Telefon : 0047 47441929-0047 41333268



### ۲۵ نوامبر روز جهانی خشونت بر زنان در فرانکفورت

## عموزاده های داعش

از صفحه ۱



داعش و اسلام سیاسی به خشم آمدند در عین حال مراقبتند که به جریان‌ات راسیستی در اروپا میدان ندهند.

در میان طیف عموزاده های سیاسی داعش باید به چپ‌های ضد امپریالیست و ضد آمریکایی بطور کلی، و بویژه نوع ایرانی اش توجه کرد. اینها را باید از موضعی انسانی و کارگری افشاء کرد. چرا که اینها به نام مارکس و لنین و "تحلیل طبقاتی" به چشم رهگذران خاک می‌پاشند. اینها کسانی هستند که مثلاً برای عکس العمل مردم تهران در شمع روشن کردن و گل گذاشتن در برابر سفارت فرانسه در همبستگی با مردم فرانسه بعنوان حرکتی خرده بورژوازی پیف پیف میکنند. از طرف دیگر تلاش های بیش از بیست سال حزب کمونیست کارگری و شخصیت هایش در مقابله قاطع با اسلام سیاسی در اروپا را، از مبارزه با حجاب کودک گرفته تا مقابله با کمک دولت های اروپایی به مساجد و امام جمعه ها، از مبارزه جانانه برای حقوق پناهندگی در سراسر جهان تا تلاش برای آزادی بیان در آلمان تا مبارزه علیه دادگاه های شرع در کانادا و انگلیس و غیره و غیره را بی شرمانه در ردیف پیکدای راسیست آلمانی قرار میدهند.

این جنبش رو به زوال را ما البته از قدیم می‌شناسیم. از همان انقلاب پنجاه و هفت وقتی خمینی و اسلام سیاسی بر علیه آن انقلاب و به حمایت غرب سر برمی آورد، این چپ ضد امپریالیستی خواهان

بصورت مایملک و دارایی و سرمایه بورژواها ظاهر میشود، همانطور هم کل تمدن غرب یکباره به حساب بورژوازی و دولتهایش گذاشته میشود. حال آنکه نه فقط علم و تکنولوژی و سایر پیشرفت های مادی غرب، بلکه حتی اغلب دستاوردهای سیاسی و فرهنگی آن نیز، از حق رای همگانی گرفته تا موزیک و فوتبال و غیره، دست برقضا اساسا محصول کار و تلاش و مبارزه و موجودیت اجتماعی پرولتاریاست. پرولتاریایی که حقیقتاً غربی و شرقی ندارد بلکه در دو قرن گذشته در غرب و تمام جهان کار کرده و ارزش اضافه تولید کرده و عمارت فعلی تمدن بشری را سنگ روی سنگ گذاشته و بالا آورده است. حمله داعش از موضع ناسیونالیسم شرق گرایانه و جهانسومی با زهر جنایات اسلامی نه فقط به پاریس و مردمش که به کل این تمدن بشری و پرولتاریایی است. کسی که اینرا در جنایات پاریس نیند به ناگزیر یا در کنار داعش و عمو زاده هایش و یا در کنار بورژوازی غرب و دولت هایش قرار میگیرد. اما اکثریت عظیم مردم جهان میکوشند خارج از این دو قطبی قرار گیرند. میدانند که این سیاه و سفید کردن، این شرق و غرب کردن واقعی نیست. آنها تعبیر ساده تر و در عین حال واقعی تری از اوضاع دارند. میفهمند که چیزی عظیم و انسانی و جهانشمول در این میان در خطر است. برای همین بعنوان مثال همزمان از جنایات

شامل انواع ناسیونالیسم جهان سومی و ضد غربی و ضد آمریکایی میشود که بنا به ویژگی های سیاسی و ایدئولوژیک خود این جنبش ها، درجه دوری و نزدیکی سیاسی شان با داعش نیز متفاوت است. اما در عین حال همه اینها در یک چیز با داعش وجه اشتراك دارند. در ضد غربگرایی و مشخصاً ضدیت با آمریکا و اروپای غربی. آن سنجیتی که با داعش حس میکنند و مثلاً از جنایات هولناک آن در پاریس دلشان اگر باز نشود چندان هم به درد نمی آید، دقیقاً در اینجاست. فکر میکنند در این حرکت بنوعی دول غربی و بورژوازی غرب (که البته و به درست منشاء کلی جنایت و بدبختی در جهان کنونی است) ضرب شصتی در پاریس دریافت کرده، پس نوش جان!

کل این طیف عموزاده های دور و نزدیک داعش دقیقاً همان ادعایی که بورژوازی غرب و دول غربی دارند را تماماً قورت داده اند. بورژوازی و دول غربی خود را صاحب و نماینده تمدن غرب میدانند. در ذهنیت داعشیان و عموزاده های سیاسی اش هم عیناً همین معادله برقرار است. اما این فقط جلوه دیگری از وارونگی جهان سرمایه داری است. همانطور که در عصر بورژوازی کل دستاوردهای کار و فعالیت بشری و مشخصاً پرولتاریا، اعم از علم و تکنولوژی و سازمان کار و غیره

است جنبه خشن و وحشیانه حملات داعش که بلاتبعیض مردم را قتل عام میکند را نپسندند و یا حتی محکوم کنند. یا اسلامیت آنرا تایید نکنند و غیره. اما نهایتاً نوعی توجیه و یا مشروعیت سیاسی برای آن قائلند. در عمق قلبشان بنوعی با داعش سنخیت و هم جبهتی احساس میکنند. از جنایت داعش در پاریس نه فقط دلشان به درد نیامده، بلکه مثلاً از اینکه اروپایی ها طعم جنایت و ترور را در خیابان و رستوران خود میچشند، حتی دلشان خنک هم شده باشد. اینها کسانی هستند که برای توجیه موضع سیاسی خود، یعنی خویشاوندی با داعش و اسلام سیاسی، چه بسا به مسایل واقعی، نظیر برخورد تبعیض آمیز میدیا به جنایت داعش در خاورمیانه و اروپا، و یا بل گرفتن جریان‌ات راست و فاشیستی اروپا از حملات داعش برای حمله به پناهندگان، توسل میجویند تا بنحوی مساله اصلی را فرعی کنند و اسلام سیاسی را از زیر تیغ حمله به در ببرند.

کافیست به فیسبوك و میدیای اجتماعی نگاهی بیندازید تا سایه روشن گسترده ای از اینگونه برخورد ها را اینجا و آنجا مشاهده کنید. علت این سایه روشن در این است که خویشاوندان سیاسی داعش خود طیف وسیعی هستند که بخصوص

## درگیری ترکیه و روسیه و خطر جنگ های گسترده تر

### کاظم نیکخواه

گیری و جنگ با ترکیه را ندارد. اما در همان حال خبر میرسد که هواپیماهای روسیه چندین کامیون کمکهای انسانی مربوط به ترکیه را در مرز سوریه بمباران کرده و رانندگان و سرنشینان آنها همه کشته شده اند. این اوضاع نشان میدهد که اوضاع بسیار مخاطره آمیز است و تنش جلی تر و گسترده تری دارد شکل میگیرد که به سادگی قابل کنترل نیست و هر آن متیواند به یک رودررویی نظامی تمام عیار منجر شود. سرنوشتی هواپیمای روسی توسط ترکیه در واقع اولین درگیری

با سرنوشتی يك هواپیمای روسی توسط جنگنده های ترکیه، فضای تنش و خطر درگیری میان نیروهای جنگنده دو کشور افزایش یافته است. در حالیکه فی الحال جنگی گسترده در منطقه جریان دارد نگرانی از گسترش آن به کشورهای همجوار در میان مردم کاملاً احساس میشود. آشکارا بلوک بندی های نظامی جهانی ای دارد در برابر یکدیگر شکل میگیرد. وزیر امور خارجه روسیه میگوید قصد انتقام



میتواند دخالت مستقیم تر ناتو در این جنگ باشد. علیرغم اطمینان خاطرهایی که دولتهای درگیر در مورد عدم درگیریهای گسترده میدهند اما با شناختی که از نیروهای درگیر وجود دارد و سیاستهای غیر مسئولانه و ضد انسانی که هم روسیه و هم پیمانانش ایجاد کرده اند و هم جناح ترکیه و ناتو، نباید نسبت به خطر جنگهای گسترده تر خوش خیال باشیم. اینها دولتهایی هستند که در رقابتهای منطقه ای خویش هر کثافت و ارتجاع و جنایتی را پرورش داده اند. اگر امروز ما شاهد عروج توحشی نظیر داعش و القاعده و جمهوری اسلامی در منطقه هستیم، دقیقاً

نظامی ترکیه و روسیه در این منطقه نیست. در واقع طی چند سال گذشته در سوریه جنگی جریان دارد که روسیه و جمهوری اسلامی و بشار اسد و حزب الله لبنان در یک طرف قرار دارند، و ترکیه و عربستان و آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در کنار مشتت جریان‌ات اسلامی مرتجع دیگر در طرف دیگرش هستند و عملاً نیروهایی در سوریه دارند به طور نیابتی با یکدیگر مینجنگند. علنی شدن جنگ روسیه و ترکیه فازی تازه در این رودررویی است. فاز بعدی آن

نتیجه مستقیم همین رقابتهای سیاستهاست. با همین تجربیات مردم دنیا به چشم خویش می بینند که باید خود را از شر این دولتهای مرتجع و ضد انسانی و طبقه مفتخور حاکم خلاص کنند. برای دست یابی به زندگی ای انسانی راه دیگری نیست.

# جهتگیری و اولویتهای رهبری حزب پلاتفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

## حمید تقوایی

در این دوره جهتگیری سیاسی و عمومی حزب بر سه فاکتور مبتنی است:

الف- شرایط سیاسی و اقتصادی دوره پسا توافق هسته ای در ایران. (تشدید بحران حکومتی / بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم و ناتوانی حکومت از برآورده کردن آنها / برجسته شدن جنبش کارگری / تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی و در منطقه / بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم / مساعد شدن شرایط سیاسی برای تعرض بیشتر جنبشهای اعتراضی و گسترش این تعرضات با استفاده از مدیای اجتماعی / ...)

ب- سر بلند کردن یک گرایش و جنبش اجتماعی سکولاریستی و مدرن در منطقه علیه نیروها و دولتهای مذهبی و قومی، و در دفاع از مدنیت و جامعه مدنی در تقابل با نیروهای اسلامی و قومی عشیرتی و دولتها و جوامع موزائیک نوع نظم نوینی

ج- گسترش گرایش و پارادایم و گفتمان و حرکت اجتماعی ضد کاپیتالیستی در غرب

این شرایط در سه سطح ایران، منطقه و جهان سیاستهای عملی و اقدامات ویژه ای را در دستور حزب میگنجد که باید در طرحها و نقشه عملهای این دوره حزب تعریف بشود و در دستور رهبری قرار بگیرد. یک ضرورت دیگر برای تقویت و گسترش حزب، از جمله بمنظور پاسخگویی به ضروریات فوق، مدرن و کارآمد و به روز شدن سازمان و ساختار و مناسبات درون حزبی است.

بر مبنای این جهتگیری عمومی رئوس اولویتهای حزب در این دوره عبارتست از:

۱- روشن و متعین کردن دخالت روزمره حزب در مبارزه طبقاتی و قرار دادن نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی بر متن مبارزه طبقاتی. تعیین موضوعات و عرصه ها و جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران و نقشه عملهای معین برای دخالتگری در هر یک از این عرصه ها

۲- تعیین خط و محورهای تبلیغات سیاسی حزب رو بجامعه ایران و جامعه جهانی با توجه به شرایط بعد از توافق هسته ای

۳- تعیین عرصه ها و سوژه های محوری مبارزه در ایران که قابلیت تبدیل شدن به یک حرکت اجتماعی را داراست و تلاش برای شکل دادن به حرکت های اعتراضی وسیع حول آنها

۴- تلاش برای ابراز وجود اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر به شکلی برجسته تر و گسترده تر از طریق استفاده فعال از مدیای اجتماعی در امر سازماندهی، تقویت مکانیسم ها و شیوه های مدرن مبارزه در جنبش کارگری، فراخواندن و بسیج خانواده های کارگران در مبارزات، برجسته و مطرح کردن چهره های جنبش کارگری، تلاش برای اتحاد و نزدیکی عملی هر چه بیشتر نهادها و تشکلهای موجود کارگری، دفاع فعال از کارگران زندانی و شکل دادن به یک جنبش بین المللی برای آزادی آنان و ...

۵- نقد ماکسیمالیستی مذهب. تداعی شدن چهره حزب بعنوان یک نیروی ضد مذهبی، تعیین بخشیدن به جنبش ضد مذهبی

جاری در ایران.

۶- برخورد فعال به تحولات منطقه و تلاش برای تشکیل یک قطب و جبهه فعال چپ و سکولار در برابر نیروهای اسلامی

۷- حضور و دخالتگری فعال در مباحث و گفتمانهای چپ و آنتی کاپیتالیستی در سطح جهانی (علیه ریاضت کشی، تبعیضات فاحش طبقاتی و فاصله عظیم بین فقر و ثروت، نابودی محیط زیست، و ...)

۸- باز تعریف فعالیت مبارزاتی در خارج کشور بر مبنای سیاست دخالتگری در شبکه های پراتیک اجتماعی و ایجاد ارتباط با چپ اجتماعی (فعالین و نهادهای چپ) در خارج

۹- نقد فعال نظرات و سیاستهای ناسیونالیسم قومی (کرد و عرب و بویژه ناسیونالیسم آذری)، ملی-اسلامی ها، و نیروهای راست پرو دول غربی

۱۰- مدرن و به روز کردن سازمان حزب. مدرن و موثر و کارآمد کردن مناسبات و روابط و اجرائیات حزبی از سطح هیات اجرائی و رهبری تا کمیته ها و کل بدنه حزب.

۱۱- استفاده فعال از مدیای اجتماعی در فعالیتهای مبارزاتی در خارج و داخل کشور و در روابط و فعل و انفعالات درون حزبی

۱۲- تعیین و عملی کردن راهها و پروژه های میان مدت و دراز مدت برای تامین مالی حزب



۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت بر علیه زنان میباشد در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ در جمهوری دومینیکن سه خواهر به خاطر فعالیت های سیاسی خود علیه رئیس جمهور تریگیلو، به دست ارتش اسیر، و مورد شکنجه و آزار و اذیت و تجاوز قرار گرفته و کشته شدند. بیش از ۲۰ سال بعد، روز مرگ آنها به صورت سمبل مقاومت در برابر خشونت بر علیه زنان درآمد.

اقتصادی حاضر متناقض است. جمهوری اسلامی بدون اختلاس و دزدیهای هزاران میلیاردی و رانت خواری و بازار قاچاق و سودآوری های نجومی از تفاوت نرخ ارز و کنترل بنادر و فرودگاهها و واردات و صادرات از جانب باندهای مافیائی و فعال مایشائی سپاه و بیت رهبری و دیگر دارو دسته های حکومتی، حتی یک روز هم نمیتواند دوام بیاورد.

ملاخور کردن اموال مردم و مفتخوری آباء اجدادی آخوندها و بقول مردم عراق تجار دین، یک خصیصه همیشگی صنعت مذهب در ایران بوده است. با سرنگونی جمهوری اسلامی، این بساط سنتی چپاول مذهبی نیز برچیده خواهد شد.

۲۵ نوامبر ۱۵

## در جمهوری اسلامی فساد ...

از صفحه ۵

های اجتماعی کارگران و اعتبارات و وامهای بانکی و حتی دکلهای چند هزار تنی حفاری نفتی جزئی از عملکرد هر روزه شرکتها و فعالین اقتصادی و باندهای حکومتی و آیت الله ها و آقازاده ها و ایادی آنهاست، فساد اساس اقتصاد است! همانطور که در جمهوری اسلامی آزادی و آزادگی و رفع تبعیض بین زن و مرد و حقوق برابر شهروندان مستقل از مذهب و عقیده و جنسیت آنها با ماهیت اسلامی نظام در تناقض است، فساد زدانی نیز با نفس موجودیت سیستم

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

